

نقش برزیل در بریکس بر اساس نظریه وابستگی متقابل

هادی اعلی فریمان^۱

۱۴

دوره ۷، شماره ۲، پیاپی ۱۴
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۲/۱۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۹/۲۰

صص: ۲۶۹-۳۰۰

شاپا چاپی: ۲۵۳۸-۵۶۴X
شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۵۵۱



چکیده

برزیل سال‌هاست آرزوی دیرینه‌ای برای تبدیل شدن به قدرت جهانی و عضویت دائم شورای امنیت سازمان ملل دارد. فارغ از اینکه کدام دولت و با چه ویژگی بر سرکار بوده است، این هدف بین ارتش، نخبگان دانشگاهی و سیاستمداران برزیلی یکی از نقاط اشتراک و مایه وحدت ملی است. براین اساس و باتوجه به سرمایه‌گذاری گسترده در سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران در موضوع بریکس و مباحث دلارزدایی و چندجانبه‌گرایی در آینده، ضرورت دارد بررسی‌های همه‌جانبه‌ای درباره آینده برزیل و بریکس انجام شود تا جهت‌گیری‌هایی مثبت و به نفع کشور در تصمیم‌سازی‌های سیاسی انجام شود. بر مبنای ضرورت یادشده، پرسش اساسی در این است که بر اساس دیدگاه‌های مطرح‌شده، نقش و توانمندی برزیل در بریکس بر اساس نظریه وابستگی متقابل چگونه است و یا در چه سطح و جایگاهی قرار دارد؟ داده‌های موجود از وضعیت قدرت اقتصادی و سیاسی داخلی برزیل حکایت از آن دارد که صرف‌نظر از تبلیغات گسترده دولتی، این کشور راه طولانی برای تبدیل به قدرت جهانی دارد و قدرت و تأثیرگذاری این کشور در بریکس در مرحله ابتدایی قرار دارد. یافته‌های پژوهش نیز تأکید دارد که برزیل تنها در صورتی توانمندی تبدیل به بازیگری مؤثر در عرصه جهانی و منطقه‌ای خواهد داشت که بتواند در داخل کشور سیاست‌های منظم و با ثباتی را طراحی و اجرا نماید، تاحدی که چرخش به چپ‌گرایی و یا راست‌گرایی اقدامات مفید دولت‌ها را خنثی نکند. روش پژوهش بر اساس توصیف و تحلیل داده‌های کتابخانه‌ای است تا دیدگاهی تبیینی حاصل شود.

کلیدواژه‌ها: برزیل، بریکس، لولا داسیلوا، مرکوسور، وابستگی متقابل.

DOI: 10.22080/jpir.2024.27083.1374

۱. دانش آموخته دکترای مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

تاریخ سیاسی برزیل از زمان استقلال تاکنون شاهد تلاش و پشتکاری گسترده برای یافتن نقشی جهانی در رقابت و هم‌وردی با ایالات متحده بوده است. برزیل اولین کشور بزرگ جهان‌سومی بود که بر درب باشگاه دموکراسی‌های توسعه‌یافته کوئید و یک ایالات متحده بالقوه در آینده است. آینده بلندمدت آن درخشان است و دلاوری و شجاعت بسیار، یکی از دلایل پیشتازی آن‌هاست (ویاردا و کلاین، ۱۳۸۷: ۳۲۶). یکی از موفقیت‌های برزیل دستیابی به تمرکز سیاسی به همراه نوعی کثرت‌گرایی نوپا بوده است که اکنون رشد اقتصادی پایداری را رقم می‌زند (عجم اوغلو و رابینسون، ۱۳۹۴: ۶۷۱). یک نکته آشکار است: بلندپروازی برزیل برای ایفای نقش خودمختار و گسترده در جهان در اخذ جایگاه برجسته و قابل استحقاق در ساختار قدرت بین‌المللی به طور اساسی روابط این کشور را با ایالات متحده برای بیش از یک ربع قرن گذشته و هم‌اکنون در قرن ۲۱ شکل داده است. این بلندپروازی کماکان در هزاره جدید به‌عنوان اصول اساسی سیاست خارجی برزیل باقی‌مانده است (مونیز باندیرا، ۱۳۸۵: ۱۹).

لکن درباره این نقش هژمونی طلب نیمکره جنوبی مجادله گسترده است. جین دودلین می‌نویسد: «در این بازی، برزیل نقش اصلی را به عهده دارد، ولی رهبر منطقه نیست. وزن اقتصادی و سیاسی او واقعیتی پذیرفته شده است، اما قدرت و نفوذ او به شکلی فعال و مصرانه مورد انکار همگان است. رهبری برزیل در منطقه بیشتر زاده تخیل مهمانان نشست سران داووس و رؤسای دولت‌های قاره‌های مختلف است، برزیل روی کاغذ بیش از ایالات متحده بر منطقه سلطه دارد، ولی نمی‌تواند این سلطه را به نفوذ چشمگیر تبدیل کند» (دودلین، ۱۳۹۳: ۲۳۳) و نیز محتاطانه گفته شده است: «پس از پایان جنگ سرد ایالات متحده اهمیت امنیتی کمتری برای منطقه آمریکای لاتین قائل شده و آماده است حضور برزیل را به‌عنوان قدرتی منطقه‌ای بپذیرد و یا حتی تشویق کند، چرا که این کشور می‌تواند بخشی از هزینه‌های حفظ ثبات اقتصادی و سیاسی خُرد قاره را بر عهده بگیرد» (شریم، ۱۳۹۲: ۳۲۸).

درباره اینکه آیا برزیل توانایی تبدیل شدن به قدرت جهانی دارد، مناظره‌های دانشگاهی و دولتی گسترده‌ای انجام شده است. از زمان انتشار کتاب جهان پس از آمریکا^۱ و ارزیابی قدرت برزیل، کانادا، چین و هند ۱۵ سال می‌گذرد (زکریا، ۱۳۹۹) و جهان تحولات مهمی را به خود دیده است. سال‌هاست آرزوی دیرینه برزیل تبدیل شدن به قدرت جهانی و داشتن عضویت دائم در شورای امنیت سازمان ملل است. فارغ از اینکه کدام دولت و با چه ویژگی بر سرکار بوده است، این هدف بین ارتش و سیاستمداران برزیلی یکی از نقاط اشتراک است.

براین اساس و باتوجه به سرمایه‌گذاری گسترده در سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران در موضوع بریکس و مباحث دلارزدایی و چندجانبه‌گرایی در آینده، ضرورت دارد بررسی‌های همه‌جانبه‌ای درباره آینده برزیل و بریکس انجام شود تا جهت‌گیری‌هایی مثبت و به نفع کشور در تصمیم‌سازی‌های سیاسی انجام شود. نادیده گرفتن ظرفیت واقعی کشورها و توانایی آنان و انتخاب مسیرهای نادرست آسیب‌های درازمدت برای منافع ملی کشور خواهد داشت.

بر مبنای ضرورت یادشده، پرسش اساسی در این مقاله پژوهشی این است که بر اساس دیدگاه‌های مطرح‌شده و متفاوت، نقش و توانمندی برزیل در بریکس بر اساس نظریه وابستگی متقابل چگونه است؟ داده‌های موجود از وضعیت قدرت اقتصادی و سیاسی داخلی برزیل حکایت از آن دارد که صرف نظر از تبلیغات گسترده دولت برزیل، این کشور راه طولانی برای تبدیل به قدرت جهانی دارد و قدرت و تأثیرگذاری این کشور در بریکس در مرحله ابتدایی و جنینی قرار دارد و برزیل تنها در صورتی توانمندی تبدیل به بازیگری مؤثر در عرصه جهانی و منطقه‌ای خواهد داشت که بتواند در داخل کشور سیاست‌های منظم و با ثباتی را طراحی و اجرا نماید، تاحدی که چرخش به چپ‌گرایی و یا راست‌گرایی اقدامات مفید دولت‌ها را خنثی نکند. روش پژوهش بر اساس توصیف و تحلیل داده‌های کتابخانه‌ای است.

۲- پژوهشگران زیادی در این باره کار کرده اند، اما فرید زکریا باب موضوع را در این باره در کتاب «جهان پس از آمریکا» در سال ۲۰۰۹ بسیار باز کرد و برخی محققان در کتاب «جهان پیش رو، مناظره درباره جهان پس از آمریکا» در ۲۰۱۱ به کالبدشکافی موضوع پرداختند و عموماً دو نظر را مطرح کردند که برزیل لفاظی گسترده‌ای به راه انداخته و فاقد قدرت جهانی شدن است و حتی فاقد توانایی رهبری در آمریکای جنوبی است. برخی نیز او را قدرت مؤثر جهان در مساله صلح سازی، مدیریت منازعات از جمله بحران اتمی ایران و اخیراً مساله اوکراین می دانند که همراه با چین و روسیه به شدت پیگیر کاهش هژمون ایالات متحده و تضعیف دلار در جهان است.

۱. پیشینه پژوهش

ادبیات پژوهشی درباره نقش و قدرت برزیل در جهان و جایگاه آن در بریکس به زبان فارسی اندک است. اما در چند سال اخیر موضوع برزیل مورد توجه پژوهشگران داخلی قرار گرفته است. بیشتر کتاب‌ها و مقالات منتشر شده به زبان‌های انگلیسی است؛ بنابراین برخی از مهم‌ترین آثار به زبان فارسی و انگلیسی جدید ذیلاً ذکر شده است.

- ویاردا (۱۳۷۸) در فصل «برزیل: بی‌نظمی‌های یک دموکراسی مترقی» در کتاب *آمریکای لاتین، سیاست، حکومت و توسعه* به شکل مفصل به تاریخچه، پیشینه و فرهنگ سیاسی، گروه‌های ذی‌نفع، احزاب و سازمان‌ها، نهادهای حکومتی و نقش این کشور در عرصه بین‌المللی پرداخته است. او نتیجه گرفته است که برزیل با توجه به مشکلات بین‌المللی و آسیب‌های داخلی، در راه رسیدن به قدرت جهانی توان لازم را خواهد داشت، اما تنها گذر زمان این روند را مشخص خواهد کرد (ویاردا و کلاین، ۱۳۸۷).
- جمالی و ذوالفقاری (۱۳۹۴) در مقاله *اقتصاد سیاسی توسعه و دموکراسی در برزیل ۱۹۶۰-۲۰۱۱* ایده اصلی کار خود را این دانسته‌اند که روند رشد و توسعه اقتصادی برزیل، بدون بهبود و پیشرفت نسبی توسعه سیاسی، به شدت شکننده، ناپایدار و نامتوازن بوده است. در مقاله نتیجه گرفته شده که با برقراری توازن نسبی توسعه‌ای بین حوزه اقتصاد و عرصه سیاست، رشد و ثبات نسبتاً پایدار و مداوم هر دو قلمرو در برزیل اتفاق افتاد (جمالی و ذوالفقاری، ۱۳۹۴).
- زیبایی (۱۳۹۷) در مقاله «سیاست خارجی: ابزار پیشرفت اقتصادی برزیل» جایگاه سیاست خارجی برزیل در هموارسازی مسیر پیشرفت اقتصادی این کشور در پرتو مدل تحلیلی مستخرج از سیاست خارجی دولت‌های توسعه‌گرا را مورد بررسی قرار داده است. او نتیجه گرفته است برای سیاستمداران برزیلی مفهوم استقلال معطوف به توسعه است و با حضور فعال در محیط بین‌الملل و استفاده از ظرفیت‌های این محیط برای بهبود وضعیت داخلی و ارتقا جایگاه بیرونی کشور منافاتی ندارد (زیبایی، ۱۳۹۷).
- روت (۱۴۰۱) در کتاب *شکوفایی برزیل* توصیف می‌کند که برزیل چگونه توانسته است از مستعمره پرتغال در آمریکای جنوبی به کشوری تبدیل شود که نبض اقتصاد منطقه خود را در دست دارد. هر چند این کشور هنوز یک کشور در حال توسعه به حساب می‌آید؛ اما در این مسیر

- پیش‌گام است و این روزها یک شریک مهم برای اروپا و ایالات متحده به حساب می‌آید. ریوردان روت در این کتاب از شروع ساخت برزیل مدرن و ظهور حکومت نظامی در سال ۱۹۶۴ حرف می‌زند. پیوستن به بریکس نیز در کتاب ارزیابی شده است (روت، ۱۴۰۱).
- محسنی و مزینانی (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی سیاست‌های توسعه اقتصادی برزیل - ۱۹۶۰-۲۰۲۱» به موضوع رشد و توسعه و سرمایه‌گذاری در برزیل باهدف بررسی روند توسعه اقتصادی و چالش‌های آن پرداخته‌اند (محسنی و مزینانی، ۱۴۰۰).
- کراسیلشچیکوف (۲۰۲۱) در کتاب *برزیل - ظهور برای همیشه: مطالعه موردی تله توسعه سطح متوسط (جوامع و نظم سیاسی در حال گذار)* در مورد مشکلات اجتماعی و اقتصادی کنونی برزیل به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای در حال ظهور بحث می‌کند. چشم‌انداز توسعه برزیل را از دیدگاه بین‌رشته‌ای بررسی می‌کند و متغیرهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد. این کتاب دوره بزرگ توسعه برزیل در دهه‌های ۲۰ و اول قرن ۲۱ در بر می‌گیرد. توجه ویژه به دوره کوتاه‌مدت رفاه در دولت‌های چپ میانه‌رو به‌عنوان ادامه مدل مدرنیزاسیون محافظه‌کارانه قبلی را یادآور می‌شود که باعث افزایش وابستگی به چین و صنعتی‌شدن زودرس اقتصاد شد. در کتاب از فقدان بازیگران اجتماعی قوی به‌عنوان مشکل اصلی در برزیل امروز یاد شده است (Krasilshchikov, 2021).
- چافه (۲۰۲۲) در کتاب *توسعه: سیاست و اقتصاد در برزیل* به طور منظم تحولات سیاسی و اقتصادی در برزیل را از سال ۱۹۶۴ تاکنون مقایسه می‌کند، منافع سیاسی را با سیاست اقتصادی مرتبط می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه نیازهای سیاسی کوتاه‌مدت بر ارزش‌های اقتصادی بلندمدت غالب است (Chaffee, 2022).
- بارکوئه (۲۰۲۴) در کتاب *موقعیت بین‌المللی برزیل و شناسایی آن به‌عنوان قدرت در حال ظهور* بر وضعیت جاه‌طلبی‌های طولانی‌مدت نخبگان سیاست خارجی برزیل تأکید دارد. او توصیه می‌کند ناظران بین‌المللی ضمن مقایسه با دیگر کشورها، باید برزیل را به‌عنوان

1 -	Victor Krasilshchikov
2	- Wilber Albert Chaffee
3	- Daniel Buarque

یک قدرت بزرگ و یک دولت در حال افزایش اعتبار بین‌المللی به رسمیت بشناسند (Buarque, 2024).

مجموعه مقالات و کتاب‌های زیادی درباره بریکس منتشر شده است که عموماً نقش برزیل را در کنار سایر کشورها مورد مطالعه قرار داده است. سه تا از آثار تطبیقی به شرح زیر است:

- کتابی با ویراستاری زوندی (۲۰۲۲) با عنوان *اقتصاد سیاسی همکاری کشورهای بریکس* منتشر شده است. در کتاب نویسندگان از ایده انسجام داخلی از طریق همکاری درون بریکس استفاده کرده و استدلال می‌کنند که مرحله بعدی تکامل بریکس تقویت همکاری بین کشورهای بریکس در اجرای تصمیمات گرفته شده است. این خطر وجود دارد که آنچه بریکس وعده می‌دهد و آنچه را که در چشم دوستان و دشمنانش نشان می‌دهد، در غیاب نهادهای مرکزی تحقق نیاید؛ بنابراین، این کتاب خواستار تعمیق همکاری درون بریکس در تمام زمینه‌های سیاستی است که در حال حاضر تعهدات در مورد آنها وجود دارد و می‌تواند به کاهش این خطر کمک کند (Zondi, 2022).
- وریه در کتاب *بریکس: آینده قدرت اقتصادی جهان در یک نظم جهانی در حال تغییر* (۲۰۲۳) اشاره می‌کند که پویایی قدرت اقتصادی در جهان در قرن بیست و یکم به طور قابل توجهی تغییر کرده است و از سلطه غرب دور شده و به سمت پیکربندی چندقطبی حرکت کرده است. برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی به عنوان بازیگران کلیدی در این نظم اقتصادی جدید ظاهر شده‌اند. این کشورها با جمعیت زیاد، سرزمین‌های گسترده، منابع طبیعی فراوان و اقتصادهای به سرعت در حال رشد مشخص می‌شوند. آنها با هم برای موتور اقتصاد جهانی ضروری شده‌اند و به طور قابل توجهی به تولید ناخالص داخلی جهانی، تجارت بین‌المللی و جریان سرمایه‌گذاری فراتر از گروه ۷ کمک می‌کنند. هدف کتاب بررسی نقش در حال تحول بریکس در اقتصاد جهانی با کاوش در مسیرها، پتانسیل‌ها و چالش‌های فردی و جمعی آنها است. پیامدهای ظهور آنها برای حاکمیت اقتصادی جهانی و پویایی قدرت نیز مورد بررسی قرار گرفته است (Wurice, 2023).

- کان و دیگران در کتابی با عنوان *نظام‌های نوآورانه ملی بریکس (۲۰۲۴)* به نتایج یک برنامه تحقیقاتی گسترده در مورد جنبه‌های سیستم‌های ملی نوآوری در پنج کشور بریکس - برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی اشاره می‌کنند. این کتاب بررسی جامع و مقایسه‌ای از چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی این اقتصادهای پویا و نوظهور را ارائه می‌دهد. در بحث تأثیر نوآوری با توجه به سیستم‌های اقتصادی، ژئوپلیتیکی، اجتماعی - فرهنگی، نهادی و فناورانه، امکان پارادایم‌های توسعه جدید برای رشد عادلانه و پایدار را ارائه می‌دهد. داده‌های اصیل و دقیق، همراه با تجزیه و تحلیل‌های تخصصی در مورد مسائل گسترده، کتاب را به منبعی ارزشمند برای محققان اقتصاد، مطالعات توسعه و علوم سیاسی تبدیل کرده است (Kahn&others,2024).

بنابراین پژوهش فعلی از این منظر دارای نوآوری است که در آن تلاش شده است تا کارکرد یک بازیگر اصلی و مهم را از منظر داخلی و خارجی مورد مطالعه قرار بدهد. مطالعات درباره قلمرو بریکس در مقایسه با سایر کشورها در ایران بسیار محدود است و تاکنون به حد مطلوب به آن پرداخته نشده است. مطالعات درباره پیوند مسائل داخلی و خارجی هر کدام از اعضای بریکس با توجه به عضویت جمهوری اسلامی در بریکس ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

در موضوع برزیل از منظر داخلی صرف‌نظر از نقش گذشته نظامیان در اقتدارگرایی و سرکوب گسترده، اکنون سازمان سیاسی برزیل مبتنی بر فدرالیسم بسیار قدرتمندی است که مدل حکومتی نیز شباهت بسیار با ساختار سیاسی ایالات متحده دارد. حضور احزاب بسیار قدیمی با گرایش‌های مختلف و قوای سه‌گانه به همراه قوانین متعدد نوعی بوروکراسی پیچیده را در کشور ایجاد کرده است. این بوروکراسی در درون قوای سه‌گانه کشور با وجود دارا بودن اختلافات سیاسی و منازعات داخلی بر موضوع پیگیری منافع ملی اشتراک نظر دارند. بر مبنای اشتراک نظر یاد شده، سیاستمداران در دولت‌های مختلف را به سمت گسترش صادرات گرایی و تجارت بین‌الملل هدایت می‌کند. به باور نگارنده دولت‌ها برای حل مشکلات و آسیب‌های مختلف و متعدد داخلی از جرم و جنایت تا فقر، قاچاق مواد مخدر، بیکاری و بی‌ثباتی ناشی از چرخش سیاست‌گذاری پیوند مستقیمی با

بازیگری برزیل در عرصه جهانی و تمایل به تجارت جهانی دارند که تأثیرگذاری و بازیگری فعال در حوزه بریکس نیز بخشی از این برنامه است.

به عبارتی دیگر اجماع نظر داخلی، رهبران برزیل را به سمت بازیگری فعال در جامعه جهانی هدایت می‌کند تا با گسترش صادرات و تمرکز بر اقتصاد به بازیگری فعال در جامعه جهانی تبدیل شوند و مشکلات اقتصادی را در داخل برطرف نمایند.

بنابراین در عرصه بازیگری در بریکس، احتمالاً نظریه وابستگی متقابل به‌عنوان مفهومی تحلیلی در شناخت رفتار پیچیده این کشور و سایر بازیگران می‌تواند راهگشای یافته‌های این پژوهش باشد. مراد از وابستگی متقابل برداشت قدیمی نیست که رفتار یک دولت شدیداً تحت تأثیر نیروهای خارجی بوده و یا کاملاً توسط آن‌ها شکل می‌گیرد، بلکه با تعریفی وسیع‌تر، موضوع عواید نسبی یا زیان‌های مشترک طرفین، مسائل توزیعی و تأکید انحصاری بر عواید و یا تقسیم آن‌ها در مشارکت‌های بین‌المللی مطرح است که فراتر از حوزه امنیتی - نظامی می‌باشد. اگر کلیه شرکا و یا اکثر آن‌ها طالب ثبات وضع موجود باشند، حفظ توازن قوا برای همه آن‌ها سودمند خواهد بود و همکاری‌ها متضمن سود خالص کلانی خواهد بود. گرچه عدم تقارن نیز وجود داشته باشد (دویچ، کیوهین و نای، ۱۳۷۵: ۹۴۳-۹۴۴).

نظریه وابستگی متقابل پس از ناامیدی از نظریه نو کارکردگرایی ایجاد شد. وابستگی متقابل تا اندازه‌ای واکنشی به واقعیت‌های عینی در صحنه روابط بین‌الملل است. البته نظم اقتصادی لیبرال این نظریه را دچار تحول کرد.

تحلیلگران استدلال می‌کنند تجارت آزاد به دو طریق به اتخاذ سیاست خارجی همکاری‌جویانه و صلح‌آمیز بین دولت‌ها منجر می‌شود. نخست اینکه نظم اقتصادی سعادت و رفاه اقتصادی بیشتری را برای ملت و کشور فراهم می‌آورد و آن‌ها را صلح‌جو می‌کند. دوم اینکه نظم اقتصادی لیبرال، وابستگی متقابل اقتصادی بین کشورها را افزایش می‌دهد که خود سیاست خارجی صلح‌آمیزی را ایجاد می‌کند. با این توصیف مفهوم راهبردی وابستگی متقابل وارد حوزه روابط سیاسی و اقتصادی لیبرال می‌شود. به‌هیچ‌وجه نمی‌توان از وابستگی متقابل فرار کرد. وابستگی سه ویژگی مهم دارد: الف. ایجاد مجاری متعدد ارتباطی در میان جوامع و دولت‌ها؛ ب. تکرار مسائل به‌طوری‌که نمی‌توان آن‌ها را در یک چارچوب مشخص قرارداد؛ پ. پدیدآمدن شرایطی که در آن

تهدید و توسل به‌زور در میان کشورهایی که دارای وابستگی متقابل هستند، دیگر موضوعیت ندارد (دهقانی فیروزآبادی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۶۶-۳۶۷).

البته نتیجه مناظره‌ها درباره مسئله وابستگی این است که نظم لیبرال به دلیل افزایش نابرابری، آسیب‌دیدگی ملی و یا حمایت‌گری مجدد دولتی شکست‌خورده است. شاید تعریف مطلوب وابستگی متقابل از گنست^۱ باشد که آن را این‌گونه بیان کرده است: «مفهوم فراملی‌گرایی اقتصادی که در آن دولت‌ها تنها کنشگران نیستند و مسائل رفاه اجتماعی در کنار مسائل امنیتی در مرکز دستور کار جهانی قرار دارند» (محمدنیا و سیفی، ۱۴۰۱: ۲۰۸). گنست در استدلال خود، بیشتر بر همکاری‌ها، فراتر از منازعه متمرکز است.

۳. مؤلفه‌های قدرت و ضعف برزیل

۱-۳. چالش‌های ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک برزیل چالش‌هایی برای رشد دارد: قسمت‌های زیادی از زمین کاملاً متفاوت با یکدیگر است. از زمین‌های ناهموار تشکیل شده است که برای بارور شدن به سرمایه‌گذاری هنگفتی نیاز دارد. بیشتر شهرهای اصلی آن در دشت‌های ساحلی کوچکی قرار دارند که با یکدیگر یا مناطق داخلی خود در ارتباط نیستند که توانایی آنها را برای رشد و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها محدود می‌کند. دولت در مناطق بدون رودخانه، مجبور است جاده‌هایی بسازد که بسیار گران هستند. هزینه‌های حمل‌ونقل همچنان بالا است. فقدان زمین باکیفیت، زیرساخت‌های خوب، سرمایه و نیروی کار ماهر از نقاط ضعف است. وجود مناطق مختلف ناهموار این کشور، اتحاد سیاسی را همواره سخت کرده است. برزیل ممکن است همواره کشوری با درآمد متوسط تبدیل باشد. ثروت برزیل کالاهای آن است و رقابت با دیگر کشورها بسیار سخت خواهد بود، زیرا هزینه‌ها بسیار بیشتر از جاهای دیگر است و باتوجه به حمایت‌گرایی از صنایع امیدی به رقابت نیست (Pueyo, 2023, p: 1-3).

۲-۳. ابعاد نظامی برزیل

برزیل با پیشرفته‌ترین صنایع دفاعی داخلی و بودجه نظامی، بزرگ‌ترین قدرت نظامی منطقه است، بودجه دفاعی ۵۷ درصدی از بودجه در سال ۲۰۱۰ به ۴۵٪ در سال ۲۰۲۲ رسید. در سال ۲۰۲۳ نیز

با کاهش به ۴۴,۴٪ رسید. بودجه دفاعی سال ۲۰۲۳ نیز ۲۴/۲ میلیارد دلار اعلام شد. نوسازی دفاعی - صنعتی با کمک فناوری انجام می‌شود. برنامه‌های دفاعی کلیدی با تمرکز بر قابلیت‌های هوایی و دریایی و با مشارکت شرکت‌های فرانسوی در برخی حوزه‌ها در حال انجام است. نیروهای مسلح از توانمندترین نیروهای منطقه هستند و این کشور به دنبال افزایش قابلیت‌های نظارت بر منطقه آمازون و آب‌های ساحلی و در حال توسعه صنعت دفاعی خود است. کل ارتش فعال ۳۶۶۵۰۰ تن هستند (Wall, 2024, p: 416).

۳-۳. ابعاد اقتصادی برزیل

برزیل با تولید ناخالص داخلی ۲,۱۷ تریلیون دلاری در سال ۲۰۲۲، بزرگ‌ترین اقتصاد آمریکای لاتین است و تقریباً ۳۰٪ درصد از تولید اقتصادی منطقه را تشکیل می‌دهد. برزیل همچنان یکی از نابرابرترین کشورهای جهان است. بیش از ۶۸۰,۰۰۰ نفر در برزیل به دلیل کرونا جان خود را از دست داده‌اند که یکی از بالاترین آمار مرگ‌ومیر سرانه در جهان است (Roy, 2022, p: 1-3). این کشور توسعه شتابانی را در حوزه اقتصادی آغاز کرده است. دولت بزرگ‌ترین برنامه خصوصی‌سازی در تاریخ خود را از سال ۲۰۱۹ آغاز کرد که طی آن با ۱۶۸ واگذاری ۷۷,۲ میلیارد دلار جمع‌آوری شد. دولت اصلاحات ساختاری زیادی را انجام داد و قانون‌های جدیدی در همه حوزه‌های اقتصادی تدوین کرد. امروزه (۲۰۲۳) برزیل کمترین نرخ بیکاری برابر ۸,۳٪ را دارد. زمان افتتاح یک کسب‌وکار برابر معیار بانک جهانی از ۱۲۰ روز در دهه گذشته به ۱ روز و ۲۳ ساعت کاهش یافته است. کشور برزیل چهارمین تولیدکننده بزرگ غلات در جهان است که ۸۰۰ میلیون نفر را تغذیه می‌کند (Roy, 2022, p: 2). دولت متعهد به استمرار برنامه‌های اجتماعی و انعطاف‌پذیری در رعایت سقف هزینه‌های جاری و تقویت نقش بانک‌های دولتی در حمایت از رشد در اعتبارات و لغو سیاست قیمت‌گذاری شده است (Coelho, 2021). دولت همچنین تعهد داده که فعالیت‌های غیرقانونی در جنگل‌های بارانی آمازون را متوقف کند (Delivorias, 2022).

در بخش مرتبط با اقتصاد، برزیل از ۱۹۸۵ تا ۲۰۲۱ حداقل گرفتار ۲۳ مورد فساد سیستماتیک اعضای حکومت بوده است. این کشور درس‌هایی برای ارائه به جهان دارد. شکست‌ها و موفقیت‌های آن الگویی برای تلاش‌های ضدفساد در جاهای دیگر است، به‌ویژه در دموکراسی‌های بزرگ و پیچیده که به‌ندرت به آن اشاره می‌شود. بسیاری ممکن است این فسادها را رسوایی یک سیستم حکومتی

بدانند که ضد توسعه عمل می‌کند، اما واقعیت آن است که نشان می‌دهد نظام تفکیک قوا و استقلال قوه قضائیه در پیگیری پرونده‌های فساد یکی از شفاف‌ترین نظام‌های حقوقی و اجرایی را به نمایش می‌گذارد (Da Ros & Taylor, 2022p:223-234).

برخی تحلیل‌گران بر این باورند که برزیل می‌تواند یک رهبر جهانی در مبارزه مداوم علیه تغییرات آب‌وهوایی باشد که کل سیاره را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برزیل آگاه است که حفظ آمازون نه تنها برای این کشور، بلکه برای کل جهان حیاتی است (Arias, 2023, p:1).

در مجموع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۲۲ میلادی با رقم ۹۰٫۶ میلیارد دلار به بیش از دوبرابر در مقایسه با سال ۲۰۲۱ رسید که بالاترین سطح در یک دهه اخیر است. از این مقدار، تنها ۳۷ میلیارد دلار (یا ۴۰٪) مربوط به جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است که در اکتشاف نفت و گاز، انرژی‌های تجدیدپذیر، تجارت کشاورزی، معدن، فناوری، خدمات مالی و تجارت هزینه شده است (Prusa & others, 2023).

برخی تحلیل‌گران ماهیت توسعه و وضعیت فعلی را در مسئله چپ‌های حزب کارگران بررسی کرده و توفیق مجدد پیروزی لولا را مرهون بازسازی حزب کارگران می‌دانند که همین موضوع باعث توسعه سیاسی کشور خواهد شد (Sirohi & Bhupatiraju, 2021. p:140-145).

در مسئله نفت و انرژی، اکتشافات، کشور را به بازیگر بزرگی در تولید نفت و گاز تبدیل خواهد کرد. پتروبراس شرکت نفت دولتی اکنون بزرگ‌ترین شرکت چندملیتی در زمینه صادرات است. برابر آخرین آمار (۲۰۲۳) پتروبراس ۱۲ پالایشگاه، ۱۸۵۲۰۰۰ تولید بشکه نفت خام روزانه، ۸٫۸ میلیارد دلار سرمایه، با تعداد کارکنان ۴۵۵۳۲، چاه‌های در حال تولید نفت و گاز ۵۰۴۲، ذخایر ثابت شده ۹۸۷۸ میلیارد بشکه، سکوهای تولیدی ۵۷ عدد، شبکه حمل ۱۲۳ کشتی، خطوط لوله ۷۷۱۹ کیلومتر نفتی و ۹۱۹۰ کیلومتر گاز را در اختیار دارد (petrobras, 2024). دو مسئله مهم در قدرت پتروبراس هست که یکی افزایش سرمایه‌گذاری خارجی به همراه توسعه فناوری برای اکتشاف است که اکنون پتروبراس هر دو را تقریباً دارد. یکی هم ارتباط بین صندوق سرمایه‌گذاری دولتی و درآمدهای نفتی و رابطه بین دولت با این درآمدهاست (لونی، ۱۳۹۲: ۵۶۶-۵۶۸). همان وسوسه افزایش سودهای سیاسی که منجر به دولت‌های نفتی فاسد می‌شود.

۴. مناظره‌ها درباره قدرت برزیل

برزیل از اوایل دهه ۲۰۰۰ به طور پیوسته از سوی تحلیلگران اقتصادی و دانشگاهی به‌عنوان یک قدرت بانفوذ بین‌المللی همواره مورد مطالعه است. اما هیچ اتفاق نظری در مورد نفوذ؛ دامنه و رتبه این کشور آمریکای جنوبی وجود ندارد. این اتفاق نظر وجود دارد که برزیل به اندازه کافی قابلیت‌های قدرت سخت را به‌عنوان یک قدرت بزرگ ندارد. قدرت نظامی یک عامل کلیدی برای ارزیابی قدرت یک کشور بوده است، آن‌چنان که از ارزیابی ارتش برزیل و بودجه دفاعی برمی‌آید در منطقه رتبه اول را دارد، اما در سطح جهانی در شمار کشورهای ضعیف در مقایسه با سایرین قرار می‌گیرد.

در موضوع توسعه برزیل موفق شد و تا حد زیادی توسط همسایگان خود - به‌سختی توسط آرژانتین - پذیرفته شد. ایجاد اتحادیه ملل آمریکای جنوبی تحت حمایت و رهبری برزیل ایجاد شد، اگرچه هنوز در سطح جهانی تعیین‌کننده نیست، اما نشان داد برزیل قدرت جذب دیگران را گرچه با تردید دارد. حضور ملموس برزیل و مشارکت آن در امور بین‌المللی نیز مهم است.

برزیل در نقش رهبری منطقه‌ای خود دوگانگی خاصی دارد، از یک‌سو هزینه‌های سیاسی و اقتصادی زیادی را تحمل می‌کند که چالش مستقیمی برای دولت است و از یک‌سو تمایل به حرکت‌های رهبری گونه دارد که مخالفت‌هایی را در داخل ایجاد می‌کند. یک نکته مهم و متناقض این است که گفته می‌شود برزیل در سطح جهانی خواهان تجدیدنظرطلبی است درحالی‌که به نظر می‌رسد قدرت تجدیدنظرطلب نیست، بلکه هدفش پیوستن به باشگاه قدرتمندان است. او سازمان ملل و شورای امنیت را قبول دارد، مشروط به اینکه خودش یک رأی با حق و تو داشته باشد و تلاش می‌کند به‌عنوان یک بازیگر تعیین‌کننده منطقه‌ای و یک بازیگر تأثیرگذار جهانی اقدام کند (Gardoni and Friedrich, 2016, pp:5-19)

به نظر می‌رسد ناکامی در گفت‌وگو با ایالات متحده در پذیرش قدرتش، این کشور را به سمت چین و روسیه متمایل کرده است. برخی پژوهشگران معتقدند که حضور فراگیر ایالات متحده در منطقه و آرژانتین و مکزیک به‌عنوان رقبای اصلی برزیل از جمله موانع اصلی این قدرت منطقه‌ای

1- UNASUR

۱- پیمان نفتای سابق یا پیمان مکزیک، کانادا، ایالات متحده یکی از مهم‌ترین و سودآورترین پیمان‌های ای است که در حال دگرگونی وضعیت مکزیک و پیرامون آن است.

هستند. آرژانتین سودای توسعه را دارد، بنابراین برزیل و آرژانتین می‌توانند در آینده ادعای قدرت منطقه‌ای کنند. بسیاری از فعالیت‌های دولت‌های برزیل به‌ویژه در موضوع جنوب - جنوب در مقاطعی بخشی از راهبرد ونزوئلا در طرح بولیوار تلقی می‌شد که عامل واگرایی در منطقه نیز بود و این رفتار مغایر با قدرت نوظهور است. از این منظر برزیل به‌عنوان قدرت میانی «عمده یا متوسط»، به نظر برسد (Esteves, Gabrielsen, & Benjamin, 2020, pp:223-225).

در ادبیات تضعیف هژمون و جهان پس از آمریکا، کشور برزیل به‌ندرت حضور دارد و یا در سایه چین قرار دارد و احتمالاً همراه با چین ممکن است بر معادلات مؤثر باشد، اما به‌تنهایی قادر به ظهور به‌عنوان قدرت جهانی نیست. برزیل از زمان صعود برای توسعه به دلیل زیر سایه ایالات متحده بودن، همواره کارگاه نظریات رادیکال توسعه بوده است. این جریان فکری اکنون نیز او را واردکننده فناوری و سرمایه خارجی می‌داند. فقدان پول ارزشمند تبدیل‌پذیر، صادرکننده مهاجران، سطح نازل مهارت‌های تحصیلی و فنی، فقر و نابرابری، نرخ‌های رشد اقتصادی متفاوت، ضعف مدیریت کلان اقتصادی، ظهور دولت‌های چپ و راست متضاد با یکدیگر در سیاست‌های اداره کشور، قدرت‌نمایی و دیپلماسی فراتر از توان نظامی، حسادت آرژانتین و قدرت مکزیک، سمت‌گیری ضدآمریکایی (در بین هواداران آمریکا) و اتهام امپریالیستی عمل کردن در منطقه از جمله موانع عمده جهانی شدن قدرت برزیل است (دآلمیدا، ۱۳۹۳: ۲۴۴-۲۴۷).

بنابراین احتمالاً می‌توان نتیجه گرفت در جهان پساآمریکایی برزیل تنها یکی از قدرت‌های نوظهور در جهان چندقطبی است که شاید در منطقه در برخی شاخص‌ها اول باشد، اما در سطح جهانی در کنار سایر قدرت‌ها به شکل افقی پس از چین، هند، اتحادیه اروپا و یا قبل از برخی کشورهای آسیای جنوب شرقی قرار می‌گیرد و به نظر می‌رسد بیشتر توان کشور در مسائل همان منطقه آمریکای جنوبی صرف شود که چالش‌های فراوان و توان‌فرسایی دارد. زیرا کارنامه برزیل نشان داده است که در مشارکت‌های جهانی فاقد سرعت و واکنش‌های سریع است و در بحران‌ها بیشتر جانب‌دارانه و سیاسی با توجه به ویژگی دولت مستقر خود عمل می‌کند.

جدول موقعیت جاه طلبانه و ابتکارات دیپلماتیک برزیل^۱

دوره	جستجوی جایگاه	ابتکارات کلیدی	نقش جهانی	نقش همکاری جویانه	نقش کارکردی
		منطقه‌ای	جهانی	بشر دوستانه / امنیتی	مالی / توسعه
دهه ۱۹۹۰	قدرت منطقه‌ای	مرکوسور ۱۹۹۱	هماهنگی با هنجارهای کلیدی بین المللی	---	---
۲۰۰۲- ۲۰۰۸	قدرت منطقه‌ای با جایگاه جهانی	اوناسور ۲۰۰۷	ایسا ۲۰۰۳	گروه ۴ (آلمان، ژاپن، برزیل، هند) ابتکار برای اصلاح شورای امنیت سازمان ملل	هند، برزیل و آفریقای جنوبی اقدام برای کاهش فقر و گرسنگی. صندوق ایسا ۲۰۰۴
۲۰۰۸- ۲۰۱۴	قدرت جهانی	سلاک ۲۰۱۰	بریکس ۲۰۰۸-۲۰۰۹	---	توافق تهران ۲۰۱۰ / مدیریت فائو ۲۰۱۱ / تأسیس بانک توسعه جدید ۲۰۱۴
۲۰۱۶- ۲۰۱۸	قدرت متوسط	خروج از اوناسور	---	---	اعضای بانی بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیایی ۲۰۱۶
۲۰۱۸- ۲۰۲۲	قدرت متوسط	کاهش قدرت منطقه‌ای (دوران)	---	---	---

۱- لازم به توضیح است در منبع اصلی زیر تا ۲۰۱۸ ذکر شده است، نگارنده مقاله، ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۴ را اضافه کرده است.

			بولسونارو) دوره خاموشی و یارکود (به تعبیر محققان و حزب کارگران)		
۲۰۲۳	تلاش برای قدرت جهانی (دوران لولا)	همکاری جنوب - جنوب / تقویت مرکوسور	تقویت بریکس / میانجی جنگ اوکراین / گسترش روابط با چین و مسئله دلارزدایی / تقویت رابطه با آفریقا	-----	حضور روسف به عنوان رئیس بانک در شانگهای و حمایت کامل لولا از وی
۲۰۲۴	نقش قدرت میانجی‌گرایانه/تاکید بر ایجاد نظم چند قطبی در نظام مالی بین‌المللی در اجلاس سران بریکس در کازان روسیه در ۲۰۲۴	همکاری جنوب/تقویت مرکوسور/مخالفت با تحریم ونزولا /مخالفت با عضویت ونزولا در بریکس در اجلاس اکبر ۲۰۲۴ به دلیل فقدان شفافیت در انتخابات آن کشور.	مخالفت با تحریم ایران/مخالفت با اسرائیل در جنایات جنگی علیه مردم غزه در اجلاس بریکس ۲۰۲۴ روسیه.	مخالفت با تشدید تنش خاورمیانه/حمایت از تشکیل دولت فلسطین/	حمایت از پیوستن ۶ کشور جدید به بریکس/حمایت از کلمبیا برای پیوستن به بریکس/حمایت از بانک توسعه نوین و استفاده از ارز داخلی کشورهای اجلاس کازان روسیه.

منبع Esteves ,Gabrielsen & Benjamin ,2020.p:217

۵. نقش برزیل در بریکس

۱-۵. تعریف بریکس

بریکس مجموعه‌ای از قدرت‌های نوظهور هستند که از کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی تشکیل شده است. در ابتدا نام این گروه بریک نام داشت؛ اما پس از پیوستن آفریقای جنوبی، به بریکس تغییر نام یافت. اولین اجلاس گروه بریکس ژوئن ۲۰۰۹ در یکاترینبورگ روسیه برگزار شد. بریکس از ابتدا فعالیت خود را به عنوان عنصری کلیدی برای ایجاد جهان چند قطبی و به عنوان نیروی موازنه ساز نرم علیه ایالات متحده آمریکا به عنوان هژمون یک‌جانبه‌گرا آغاز کرد. اهداف اجلاس اولیه تأکید بر مفاهیم بهبود وضعیت اقتصادی و اصلاح نظام مالی جهان، تأکید بر ایفای نقش محوری برای حل بحران‌های مالی بین‌المللی؛ همکاری فراسوی مباحث اقتصادی، حمایت بیشتر از نظم جهانی چندقطبی و دموکراتیک بر اساس قوانین حقوق بین‌الملل، برابری، احترام متقابل، همکاری، اقدام هماهنگ و تصمیم‌سازی جمعی همه دولت‌ها بود (سیفی و خرمشاد، ۱۳۹۸: ۳۹).

برابر آمار ۲۰۲۴ گروه بریکس ۴۵٪ از جمعیت جهان، ۳۶٪ از تولید ناخالص جهانی با ۴۵ تریلیون دلار ثروت قابل سرمایه‌گذاری در اختیار دارند.

برخی اقدامات اعضای بریکس را در ابعاد مختلف می‌توان ارزیابی کرد: زیرسؤال بردن مشروعیت دلار آمریکا در مبادلات اقتصادی و تلاش برای واردکردن واحد پول جدیدی به نام بریسکو یا جهانی کردن یوان توسط چین؛ مخالفت با ریاست انحصاری آمریکا بر بانک جهانی، رویارویی غیرمستقیم آمریکا و روسیه در اوکراین، مخالفت چین با استفاده از سرزمین‌های خود در جریان حمله آمریکا به افغانستان؛ مخالفت چین و روسیه با استقرار پایگاه‌های نظامی آمریکا در مناطق مختلف اطراف قلمرو خود، مخالفت روسیه با استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در ترکیه و اروپای شرقی؛ مخالفت با احداث پایگاه نظامی آمریکا در کشورهای عضو، دیپلماسی تلاش برای ورود اعضای جدید به شورای امنیت؛ تلاش برای اصلاحات در صندوق بین‌المللی پول برای منافع کشورهای در حال توسعه؛ تلاش برای تقویت نقش سازمان‌های بین‌المللی، عزم راسخ برای موازنه‌سازی، مخالفت با تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه آمریکا در قبال کشورهای دیگر؛ تلاش برای ارتقای سطح ارتباطات فرهنگی میان کشورهای

1-
2-

BRICS
Yekaterinburg

عضو در مقابل ترویج فرهنگ امریکایی، تأسیس آکادمی سینمایی بریکس، ایجاد ذخایر مشترک ارزی؛ ایجاد بانک توسعه، اشتراک‌گذاری دانش، همکاری با محققان و دانشجویان برای گرفتن ویزا، ظرفیت‌سازی علمی، تخصیص کمک‌هزینه برای انجام پروژه‌های علمی و تحقیقاتی بین کشورهای عضو و ارائه مشاوره سیاسی (سیفی و خرمشاد، ۱۳۹۸: ۴۴-۴۵).

به طور خلاصه و کلی تمام ادبیات پژوهشی محققان و سیاستمداران درباره بریکس بر دو نظریه متمرکز است:

الف) مخالفان بریکس که آن را هنوز در مراحل اولیه تلقی کرده که قادر نیست نظم اساسی جدیدی را به صورت یک‌جانبه ایجاد کند و بیشتر توان خود را در جاری‌ساختن اراده کشورهای عضو در چارچوب‌های ائتلافی و اصلاح نرم ترتیبات بین‌المللی به کار گرفته است و در مرحله جنینی است (ترابی فرد، ۱۴۰۱: ۶).

به‌علاوه اینکه دلارزدایی از تجارت بین‌الملل فعلاً افسانه و دروغ روسیه و چین است و بسیاری از کشورها ترجیح می‌دهند با دلار مبادله کنند، و اینکه مسئله دلارزدایی مناظرات گسترده‌ای بین اقتصاددانان و سیاستمداران برای اثبات یا نفی موضوع ایجاد کرده است. بر این مبنا که حتی اگر کشورهای بریکس دلارزدایی کنند، بسیاری از جهان همچنان از دلار استفاده می‌کنند و نظم پولی جهانی بیشتر چندقطبی می‌شود تا تک‌قطبی (ماجدی، ۱۴۰۲).

به‌علاوه موانعی مانند اجرای ناموفق اقدامات مربوط به اصلاحات صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی تا حد زیادی بریکس را در امور بین‌المللی محدود کرده است. کنار گذاشتن کشورهای بریکس از قراردادهای تجاری مانند مشارکت ترانس پاسیفیک^۱ و ترانس آتلانتیک^۲ که تحت سلطه اقتصادهای توسعه‌یافته به نمایندگی از ایالات متحده است، تأثیرات منفی خواهد داشت (Xiujun, 2020). (p:175 منظور از موانع رقابت گروه قدرتمند^۷ در حمایت از نظم جاری مالی بین‌المللی است که مورد پشتیبانی ایالات متحده و سایر اعضای گروه است. به یقین صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به دلیل نفوذ کشورهای گروه ۷ در این نهادها از نهادهای نوظهور حمایت نخواهند کرد.

ب) موافقانی که این گروه را فرصتی مهم برای تغییر جهان به سمت چندقطبی شدن و چندجانبه‌گرایی و فرصتی برای توسعه و سر برآوردن کشورهای جدید می‌دانند. از جمله نظریه لولا

1- The Trans-Pacific Partnership (TPP) or Trans-Pacific Partnership Agreement (TPPA)

2 - Transatlantic

داسیلوا که گفت ما به دنبال ایجاد یک نظم ژئوپلیتیک جدید هستیم تا با افزایش تنوع در سازمان ملل، بتوانیم حکمرانی جهانی را تغییر دهیم (لطف الهی، ۱۴۰۲).

روایت اساسی که ظهور مفهوم بریکس را ممکن کرد انتقال از تک‌قطبی به چندقطبی غیرقابل برگشت است. تا سال ۲۰۳۰، پیش‌بینی می‌شود که چین و هند ۲۸٪ درصد رشد اقتصادی خواهند کرد و ۱۱٪ از تولید ناخالص داخلی جهانی را در اختیار می‌گیرند، درحالی‌که رشد اقتصادی ایالات متحده و اروپا به ۱۸ و ۱۲٪ کاهش خواهد یافت. چندقطبی شدن اقتصادی ممکن است بیشتر از حد انتظار طول بکشد. «دهه گمشده» در برزیل، رکود و جنگ اوکراین در روسیه و عدم اطمینان سیاسی در جنوب آفریقا تلاش این کشورها را محدود کرده است. پرسش اساسی این است که آیا هژمونی ایالات متحده در نهایت پایان خواهد یافت یا خیر؟ از منظر بسیاری از محققان در ایالات متحده، ظهور بریکس ممکن است برای نظم جهانی مطلوب باشد و به‌خوبی بتواند در تصمیم‌گیری جهانی و با ترکیبی از قدرت‌های بزرگ در حال ظهور به دموکراسی‌سازی کمک کند. این سیستم موازی با مجموعه متمایز قوانین و نهادها، قدرت اصول کلیدی لیبرالیسم بین‌الملل و به‌ویژه هر مفهومی از جامعه مدنی جهانی یا مداخله نظامی در کشورها را رد می‌کند. بنابراین غرب موازنه سازی را از دست می‌دهد، قدرت‌های نوظهور با معرفی اصول متفاوت و جایگزینی علیه مؤسسات برتون وودز به رهبری ایالات متحده ایجاد می‌کنند (Stuenkel, 2020, p:165).

همانگونه که رییس‌جمهور برزیل به صراحت در اجلاس اکتبر ۲۰۲۴ سران بریکس در کازان روسیه اظهار داشت که بانک توسعه نوین ترتیبات جدید مالی بین‌المللی علیه برتون وودز است. بریکس با بیان نظرات متفاوت در مورد دامنه همکاری، منشأ قوانین اختیارات خاص مبانی نظم لیبرال را زیر سؤال برده است. اعضای بریکس اساساً بر سر سیاست‌های اساسی اجماع لیبرال اختلاف نظر دارند که نتیجه آن چالشی حیاتی برای پروژه انتر ناسیونالیستی لیبرال در زمینه‌های اساسی بوده است. تحلیلگران استدلال کرده‌اند که قدرت‌های نوظهور ممکن است به یک ذی‌نفع «غیرمسئولیت‌پذیر» در جهان تبدیل شوند. دیدگاه‌های بریکس متفاوت‌تر است. درحالی‌که قدرت‌های نوظهور با مسائل اساسی مانند نهادها، امنیت مشترک، جامعه دموکراتیک بین‌المللی موافق هستند، به نظر آنها حل مشکل جمعی و حاکمیت مشترک و حاکمیت قانون بر اساس نظم لیبرال موجود ناممکن

۱- منظور دولت بولسوناروی متمایل به نظامیان است.

است. نظم امروزی ناقص است و اغلب توسط خود سازندگان سیستم تضعیف می‌شود (Stuenkel 2020, p:166-167). بریکس با وجود موانع فراوان و چالش‌های مختلف یادآور پیش‌بینی اسوالد اشپنگلر فیلسوف آلمانی است که معتقد بود از آنجا که تمدن از شرق به غرب رفته است، دوباره به شرق باز می‌گردد (سنایی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۲: ۳۳).

۵-۲. برزیل و بریکس

برزیل در مقیاس جغرافیایی بزرگ، منابع غنی و قدرت روبه‌رشد و تمایل به موقعیت جاه‌طلبانه برای اعمال نفوذ مهم بین‌المللی از جمله تقاضا برای کرسی شورای امنیت، مدت‌هاست که به دلیل فقدان بستر مناسب ناشی از فضا ندادن آمریکایی‌ها، محدود و محصور شده و در تلاش مستمری است تا وجهه بین‌المللی خود را افزایش دهد (کیانی، ۱۴۰۲).

اقتصاد برزیل در مقایسه با کشورهای عضو بریکس در رتبه سوم قرار دارد و تنها نماینده آمریکای لاتین در بریکس است. مشکل مهم برزیل فقدان ساختار بلندمدت محکم برای رشد اقتصادی در روابط تجاری با کشورهای بریکس است و همیشه به‌عنوان تأمین‌کننده قرار داشته است. همکاری با بریکس به برزیل کمک کرد تا وجهه بین‌المللی بیشتری کسب کند. برزیل در مسائل بازرگانی، هم تمایل به توسعه روابط با کشورهای غربی دارد و هم سعی در استحکام موقعیت خود به‌عنوان اقتصادی نوظهور در رهبری منطقه‌ای دارد و از به حاشیه رانده شدن در ترتیبات مکانیسم بین‌المللی نیز بیمناک است. همکاری بریکس یک ترتیبات چندجانبه است که کاملاً مطابق با منافع و نیازهای برزیل است و در نتیجه برزیل نگرش پایدار و حمایتی نسبت به بریکس دارد. کشورهای بریکس تفاوت‌هایی در تاریخ، جغرافیا، تمدن، فرهنگ و مذهب و نظام‌های سیاسی و مدل‌های اقتصادی و حقوقی دارند. (Mancuso & Bussani, 2022, pp:405) حتی اعضا در زمینه اقتصادی دارای تفکر متفاوتی هستند، به طوری که رقابت خاصی بین برخی از کشورهای بریکس به‌همراه اختلاف و شکاف در برنامه‌های توسعه وجود دارد (South Africa in BRICS, 2024)؛ بنابراین به طور خلاصه نقش برزیل در ابعاد مختلف حضور در بریکس را می‌توان به شرح زیر بررسی کرد:

۵-۲-۱. در ساخت منطقه تجارت خارجی

کشورهای بریکس به توسعه تجارت خارجی به‌عنوان ابزاری مهم برای افزایش قدرت اقتصادی خود نگاه می‌کنند و پنج کشور به طور متوالی استراتژی‌های منطقه تجارت خارجی خود را توسعه

داده‌اند. برزیل در استراتژی توسعه تجارت خارجی عمدتاً جنبه‌های مختلف را در نظر گرفته است. برزیل با استفاده از یکپارچگی منطقه‌ای به‌عنوان ابزاری برای افزایش قدرت و موقعیت، در سیستم تجاری چندجانبه به‌عنوان یک تسهیل‌کننده قوی در ساختار منطقه تجارت خارجی، به توافقات تجاری دوجانبه و منطقه‌ای معتقد است. استفاده از ساختار مرکوسور یا بازار مشترک جنوب به‌عنوان یک ابزار چانه‌زنی برای انجام مذاکرات ادغام منطقه‌ای با دنیای بیرون بسیار راهبردی است. برزیل امیدوار به گسترش تجارت بین مرکوسور، گروه آند و توافقنامه امنیتی تجارت خودرو با آرژانتین و مکزیک با استفاده از اهرم نمایندگی خود در بریکس است، برزیل از بازار مشترک جنوبی به‌عنوان یک اهرم مهم استفاده می‌کند و سیاست ادغام عناصر مختلف و به‌هم‌پیوسته شبکه تجاری خود با تمام کشورها و اتحادیه‌های تجاری را پیگیری می‌کند (Xiujun, 2020, p:150).

۲-۲-۵. در موضوع همکاری‌های بین‌المللی

برزیل چندین دهه است که سابقه روابط دیپلماتیک با آفریقا دارد. این کشور اکنون نقش رهبری را در دریافت و اهدا کمک‌های بین‌المللی در آن قاره ایفا می‌کند و شریک در چارچوب سیاست همکاری توسعه با قاره آفریقا است. در بسیاری از موارد هیچ سود تجاری از این همکاری‌ها دنبال نمی‌شود و خدمات رایگان است که این موضوع در برخی موارد باعث تنش و جدال در درون دولت‌های برزیل شده است. (Yijia & de Oliveira, 2020, p:107).

۳-۲-۵. در روابط با آفریقا

روابط برزیل با آفریقا از سال ۲۰۰۳ در دولت لولا داسیلوا که رابطه جنوب - جنوب را به یکی از اولویت‌های خود تبدیل کرد، اهمیت زیادی یافت. برزیل با کشورهای پرتغالی زبان آنگولا، موزامبیک و گینه بیسائو نیز رابطه دارد. روابط تجاری بین برزیل و آفریقا را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: دوره‌های مختلف بین سال‌های ۱۹۹۷ و ۲۰۲۲ که شاهد دوره‌ای از ثبات هستیم که صادرات برزیل حدود ۲ میلیارد دلار در سال بود. دوره دوم از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ که افزایش شدیدی در صادرات داشت. دوره سوم از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷ است که شاهد کاهش شدید تجارت هستیم. سرمایه‌گذاری شرکت‌های آفریقایی در برزیل بسیار پایین است. در موضوع آفریقا، چین قدرتمندترین کشور در روابط است. قدرت اقتصادی و سیاسی چین عدم تقارن و توازن را برای ایجاد رقابت مثبت

ایجاد کرده است. مثلاً در مورد صادرات از آفریقا، برزیل تمایل به دریافت کالا در بخش های پویا و متنوع دارد، درحالی‌که صادرات آفریقا متمرکز به نفت و مشتقات آن است. تعمیق روابط اقتصادی بین برزیل و آفریقا در قرن بیست و یکم عمدتاً به دلایل زیر بود: (۱) رونق اقتصادی در جهان و برزیل و (۲) انتخاب‌های سیاسی که روابط با آفریقا را به‌عنوان اولویت تعریف می‌کرد و این نظر کاملاً صحیح نیست که بریکس این موارد را تقویت کرده است. یکی از مشکلات احتمالی رابطه با آفریقا این است که پس از فروپاشی نهادی یا تغییر دولت‌ها در برزیل، در سیاست خارجی آن به طور اساسی تغییر حاصل می‌شود، مثلاً در دولت تمر، او صراحتاً طرف‌دار همکاری بیشتر با کشورهای غربی بود و کمتر با کشورهای جنوبی همکاری داشت، گرچه جامعه مدنی برزیل (از جمله دانشگاه‌ها، بلکه همچنین کارآفرینان) تأکید می‌کردند که تقویت روابط اقتصادی با کشورهای بریکس چقدر مهم است (Monyae & Ndzendze, 2021, pp:65-73). این نگاه در دوره جدید دولت لولا به سرعت تغییر کرد و قاره آفریقا مجدداً اهمیت یافت.

۵-۲-۴. در روابط و رقابت با چین

روابط مدرن چینی‌ها با برزیل از ۱۹۷۴ میلادی با روابط نظامی شروع شد و در دهه ۹۰ مشارکت استراتژیک داشتند و اکنون دانش و مطالبه چینی‌ها از برزیل بسیار بیشتر است. روابط دوجانبه به مؤلفه‌های دیگری مانند اتحادیه اروپا، ایالات متحده و بحث‌های حقوق بشری نیز ارتباط دارد (Santoro, 2022, p: 5).

بیجینگ در سال ۲۰۱۲ روابط خود با برازیلیا را به یک مشارکت استراتژیک جامع ارتقا داد، بالاترین طبقه‌بندی که چین به شرکای دیپلماتیک خود اعطا می‌کند. در سال ۲۰۲۱ تجارت دوجانبه به رکورد ۱۳۵ میلیارد دلار رسید. بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۰، برزیل بیش از ۶۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری چینی دریافت کرد (Esteves Gabrielsen & Benjamin 2020, pp:85-86). روابط چین تا زمانی که لولا در قدرت حضور دارد، ادامه خواهد داشت، اما به باور برخی آمریکایی‌ها، برزیل را در طبقه‌بندی بلوک‌ها به یکی از اقمار چین تبدیل خواهد کرد و منازعه با ایالات متحده را تشدید خواهد نمود.

تجارت برزیل با چین در سال ۲۰۲۳ به رکورد ۱۵۰ میلیارد دلار رسید و یوان به‌عنوان دومین ارز ذخیره کشور تبدیل شد. یک بانک برزیلی (که توسط یک شرکت مادر چینی کنترل می‌شود) اولین

مؤسسه مالی در آمریکای لاتین شد که به سیستم پرداخت بین بانکی بین مرزی چین پیوست که معاملات تجاری را به واحد پول چین انجام می دهد. هر دو رهبر همچنین با موفقیت خود را به عنوان قهرمانان جهان جنوب معرفی کرده و تمایل خود را برای برهم زدن «تعادل ژئوپلیتیک جهانی» ابراز کردند، از کشورهای خود به عنوان میانجی در اوکراین حمایت کردند و مکانیسم بریکس را به عنوان وزنه تعادلی در برابر سیستم بین المللی تحت سلطه ایالات متحده معرفی کردند (دلوری، ۲۰۱۴: ۱-۴).

در بریکس شرکت های بزرگ چینی استراتژی تهاجمی را دنبال می کنند و سرمایه گذاری های بین المللی خود را در کشورهای مختلف از جمله برزیل گسترش می دهند، زیرا این کشور مقصد مهمی برای شبکه های تجاری است. در عین حال، اقتصاد برزیل در ورود به بازارهای بین المللی جدید به ویژه چین موفق نشده است. کالاهای تولیدی برزیل قادر به رقابت با ساخت چین نیستند. یک تغییر تدریجی اما به طرز محسوس در نمایه صادرات چین به برزیل به سمت یک محدوده کالایی به طور فزاینده پیچیده، از جمله هواپیما، تجهیزات الکترونیکی، بیوتکنولوژی و محصولات نانوتکنولوژی در حال وقوع است. در جریان دیدارهای مقدماتی برای نشست دوجانبه سال ۲۰۱۴، برزیل نمایندگان چین را برای باز کردن بیشتر بازارهای خود به روی برخی از محصولات اولیه برزیل مانند گوشت گاو، شکر و ذرت تحت فشار قرارداد. چینی ها با کاهش قابل توجه تعرفه ها بر روی روغن سویا برزیل موافقت کردند، تعلیق و تحریم گوشت گاو برزیل و اجرای مشارکت بین شرکت های برزیلی با شرکت های چینی برداشته شد. علاوه بر این، برزیل علاقه خود را در اجرای عملیات مشترک برای ایجاد «شبکه های توزیع برق هوشمند» و توسعه باد و آوری های انرژی خورشیدی اعلام کرده است (Pardeep Singh & 2022, pp:215-220). ورود چین به بازار جهان و نقش برزیل در بریکس برای یافتن جایگاه در جهان چندقطبی موجب شده است ایالات متحده روابط کمتری با او داشته باشد. نقش، هویت و بازیگری چین در مثلث خود با برزیل و ایالات متحده قابل تبیین است.

عوامل مؤثر بر تفکر ژئوپلیتیک در آمریکای لاتین نشان می دهد: اکنون آمریکای لاتین در سیاست بین الملل کمتر حاشیه ای است و قدرت مانور بیشتری در عرصه کار دارد؛ - تفکر ژئوپلیتیک از واحد ملی به منطقه ای یا سطح قاره ای تغییر یافته و شکل ائتلاف به خود گرفته است؛ - بخشی از توسعه آمریکای جنوب بر پایه منطقه ژئوپلیتیک جدید ساختار سازی شده است و برزیل قدرت اصلی است؛ -

1-

2- China Three Gorges Corporation.

Eletrobrás .Furnas

CWEL.

SGCC

ایالات متحده مرکزیت را در آمریکای لاتین از دست داده است و بازیگران فرا نیمکره‌ای مانند چین نقش اصلی دارند؛- در نتیجه تغییر قدرت جهانی و موقعیت‌های بین‌المللی جدید، پاسیفیک و آتلانتیک جنوبی برای آمریکای لاتین اهمیت یافته‌اند؛- منابع طبیعی مجدداً به موضوع مهمی در سیاست آمریکا تبدیل شده است که به افزایش امنیت و مناسبات انرژی جدید به‌ویژه مرتبط با مرزهای دریایی منجر می‌شود؛- ایفای نقش با ظرفیت‌های ویژه برزیل شامل نقش فعال در همکاری با معماری امنیتی جهانی!

۵-۳. دولت‌ها و بریکس

گفتمان دولت‌ها در برزیل نشان می‌دهد منافع کشور برابر نظر رئیس‌جمهور وقت در معادلات جهانی و یا در بریکس تعریف شده است. ابتدا کاردوسو تمایل به چندجانبه بودن در سیاست خارجی را نشان داد، لولا داسیلوا از بریکس کاملاً حمایت کرد. سپس گسترده‌ترین و شدیدترین علائق آن در زمان دولت دیلما روسف در ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ ادامه یافت. این تداوم و همچنین تفاوت‌های بعدی را می‌توان «محدودیت در تداوم» نامید.

در دولت لولا، برزیل موقعیت سیاسی بزرگ‌تری را به‌ویژه در مسئله برجام برای کسب وجهه در پیش گرفت. در دولت دیلما، دیدگاه غالب این بود که به برجام و بحران‌های امنیتی نباید اهمیت زیادی بدهید، زیرا مسائلی از این قبیل سبب‌ساز اختلاف و تضاد خواهد شد که مخالف با منافع ملی برزیل است. در سراسر دولت‌های حزب کارگران، مقامات برزیل برای ایجاد استانداردهای مشارکت و افزایش بهره‌وری، پیشرفت و ادغام فناوری به طور دقیق‌تر با بریکس همکاری کردند (Monyae & Ndzendze, 2021, pp: 87-88). سیاست دولت ژایر بولسونارو همسویی کامل با ایالات متحده بود. در نتیجه اجلاس سال ۲۰۱۹ بریکس به ریاست برزیل بی‌اثرترین اجلاس سران از زمان تاریخ خود بود. در حال حاضر به نظر می‌رسد لولا در داخل با چالش نظامیان غیروفادار، کنگره نسبتاً

۳- برای اطلاعات بیشتر در اینباره به دو منبع ارزشمند و محققانه زیر در یک منبع رجوع شود:

- Nolte, Detlef, and Leslie E. Wehner. 2016. "Geopolitics in Latin America: Old and New."

By Rutledge Handbook of Latin American Security, edited by David R. Mares and Arie M. Kacowicz, 34-35. New York: Routledge.

- Kacowicz, Arie M., and David R. Mares. 2016. "Security Studies and Security in Latin America: The First 200 Years." In Rutledge Handbook of Latin American Security, edited by Arie M. Kacowicz and David R. Mares, 22-24. New York: Routledge.

مخالف، احزاب متمایل به میراث بولسونارو و عدم توانایی حل مسئله فقر با توجه به اقتصاد جهانی بی ثبات و گرانی کالاها و مواد غذایی و در سیاست خارجی با منطقه جنوب متفرق و ناتوان در مدیریت اقتصاد و جنگ اوکراین تأثیرگذار در روابط با روسیه مواجه خواهد شد، چالش‌هایی که در دوره اول و دوم ریاست جمهوری کمتر وجود داشت.

برخی نگرانی‌ها برای برزیل در رابطه با بریکس وجود دارد که بیشتر از سوی غربی‌ها مطرح شده است. اولین نگرانی مربوط به ناهمگونی‌های درون بریکس و موضوع چین است؛ بنابراین در یک رابطه افقی بین همه کشورها، خطر عدم تقارن در روابط با چین واقعی است. برخلاف مؤسسات چندجانبه غربی، بریکس تاکنون موفق شده است برای مؤسسات خود (به‌عنوان مثال بانک توسعه) و در ساختار حاکمیتی اصل برابری را رعایت کند. باین وجود، غیرقابل انکار است که سیاست واقعی گروه ممکن است به نفع چین دچار عدم تعادل شود (Rajan Kumar & others, 2023, p:161). دومین نگرانی خارجی برای برزیل مربوط به ناهمگونی بین ساختارهای اقتصادی پنج کشور است. این کشورها دارای ساختارهای مولد مکمل هستند که به طور بالقوه اجازه می‌دهد تا حجم بسیار زیادی رابطه داشته باشند. صادرات برزیل به روسیه، هند و چین تقریباً منحصراً از کالاهای کشاورزی و معدنی تشکیل شده است و واردات آن را کالاهایی با ارزش افزوده بالاتر (به‌ویژه کالاهای تولیدی) تشکیل می‌دهد. برخی گزارش‌های تأیید نشده مطرح کرده‌اند که آمریکایی‌ها در روی کار آمدن بولسونارو، برای جلوگیری از گرایش برزیل به چین از طریق لابی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های کلان در اندیشه‌های طرفدار آمریکا و ضد چین نقش داشته‌اند (Rajan Kumar & others, 2023, p:162).

آخرین اقدامات اداری برزیل در انطباق با بریکس ایجاد دبیرخانه ویژه مشارکت‌های سرمایه‌گذاری بود که ساختار اداری داخلی را متمرکز بر دبیرخانه کرد و به وزارت اقتصاد مأموریت ساده‌سازی مدیریت مرتبط با پروژه‌های دبیرخانه را در طیف گسترده‌ای از بخش‌های زیربنایی دارای اولویت داد تا سرمایه‌گذاری خصوصی را در اولویت قرار دهند (Brazil, 2023, p:28).

نتیجه‌گیری

در درون بریکس دو رهیافت متضاد ناشی از سیاست‌های متفاوت اعضا در قبال وابستگی به قدرت‌های بزرگ و درعین حال تمایل به وابستگی متقابل در حوزه اقتصادی را می‌توان مشاهده کرد.

براین اساس در حال حاضر بریکس به دلایل مختلف از جمله وابستگی به قدرت‌های بزرگ و موضوعات سیاسی مناقشه‌برانگیز فاقد اقتدار و یا ضمانت‌های لازم برای پیشبرد اهداف است و تصمیم‌های آن وابسته به میزان همکاری و یا اداره طرفین دارد. به‌عنوان مثال موضوع غزه در فلسطین و حمله اسرائیل به لبنان و عدم تمایل شرکت عربستان در اجلاس سران بریکس در روسیه در اواخر سال ۲۰۲۴ و حمایت برزیل از مردم فلسطین علیه اقدامات نظامی نتانیاهو در کشتار ملت فلسطین از این نوع واگرایی‌هاست. در همین حال تمام اعضا در حوزه اقتصاد و تجارت متقابل و مبادله با ارزهای داخلی کشورهای خود، تمایل لازم را برای پیشبرد اهداف در آینده میان‌مدت و درازمدت اعلام کرده و انگیزه اقتصادی لازم را دارند که از رهیافت وابستگی متقابل نیز می‌توان پیوند اعضای بریکس را ارزیابی کرد. سازمان و ساختار بریکس ترکیبی از قدرت‌های کوچک و بزرگ آن را تشکیل می‌دهند که ابتدا تضعیف هژمونی ایالات متحده موردنظر بوده است، اما اکنون مزایا و عواید اقتصادی اهمیت بسیار بیشتری یافته است. به نظر می‌رسد در حوزه کنارگذاشتن دلار از عرصه تجارت جهانی اتفاق نظر بین اعضا به وجود آمده است و سازمان بریکس در حال ساختارسازی در اینباره است. اما این اقدامات در اولین مرحله قرار دارد. ساختار نولیبرالی و یا هژمونی دلار کماکان در مبادلات جهانی وجود دارد و بسیاری از اعضای بریکس در موضوعات تجاری وابسته به دلار هستند. جمهوری اسلامی، برزیل و روسیه در حال حاضر به این نوع نگرش‌های واگرایانه ضد هژمونی دلار در کشورهای عضو بریکس دامن می‌زنند. اما به نظر می‌رسد با گذشت زمان طولانی تحکیم روابط اقتصادی بر مبنای وابستگی متقابل بیشتر خواهد شد. عناصری مانند رمازرها و هوش مصنوعی نیز گسیست در موضوعات مالی نظم رایج لیبرالی را تسریع خواهند کرد.

آنچه مسلم است برزیل اکنون مصمم به پیشبرد و همکاری سازنده با سازمان بریکس بر اساس منطق وابستگی متقابل ضمن رعایت دموکراسی است. مخالفت برزیل با پذیرش عضویت ونزوئلا در بریکس - با وجود چپ‌گرا بودن دولت مادورو - به دلیل رعایت نکردن انتخابات شفاف ریاست جمهوری در ۲۰۲۴ آن کشور، نشان می‌دهد که برزیل از تسری شائبه شکست منطق انتخاب آزاد و عادلانه بر مبنای قواعد دموکراتیک در قاره آمریکای لاتین بیمناک است. از این منظر داده‌های لازم در دولت‌های برزیل نشان می‌دهد که معمولاً چپ‌گرایان تعامل بیشتری در حوزه جهانی با سایر کشورها به شکل گسترده دارند و سیاست خارجی صلح‌آمیزی بر اساس منطق وابستگی متقابل ارائه می‌دهند.

موضوعی که در دولت‌های راست‌گرا معکوس است و آنها معمولاً با ایالات متحده همکاری بیشتری دارند. حزب چپ‌گرای کارگر برزیل که از ۱۹۸۰ میلادی تاسیس شده است، از ابتدای سال ۲۰۰۰ میلادی نقش فعال و راهبردی در بریکس ایفا کرده است. علاقه دولت برزیل به مقاومت علیه هژمونی دلار و توسعه ساختار چندجانبه‌گرایی آشکارا در تصمیم‌سازی‌های دولت مطرح می‌شود. اما متعاقباً دولت بولسونارو و شخص وی به‌عنوان رهبری راست‌گرا و اقتدارگرا و فرسایش‌دهنده دموکراسی، افراطی، قطبی‌ساز، نظامی‌ساز و ضد لیبرال دموکراسی معرفی شده‌اند. این چرخش‌های سیاسی معمولاً نقش برزیل را در بریکس تضعیف می‌کند، زیرا ممکن است نیروهای منسوب به ارتش با ویژگی راست‌گرا، مجدداً سازمان قدرت را در دست بگیرند.

اما نتیجه درباره نقش جهانی و بازیگری برزیل در بریکس حاکی از آن است که:

- برزیل به‌عنوان عضو غیردائم شورای امنیت همواره سه کار را پیگیری کرده است: رعایت حقوق سیاسی و مدنی در زمانی که بحران‌های بین‌المللی ایجاد می‌شود. - اقدام به صلح‌سازی در عملیات حفاظت از صلح. - ارتباط نزدیک و دائم با شورای امنیت و گروه حقوق بشر. برزیل همواره خواستار کرسی دائم شورای امنیت بوده است و ایالات متحده گرچه مخالفت نکرده، اما هیچ‌گاه حمایت هم نداشته است. در دوره اول ریاست‌جمهوری دیلما روسف سیاست خارجی برزیل ویژگی‌های زیر را داشت: مشارکت فعال در عملیات حفاظت از صلح. - اهمیت دادن به پیمان‌های همکاری دوجانبه مهم. این سیاست‌های صلح‌آمیز همگی مبتنی بر نظریه وابستگی متقابل است.
- روابط برزیل و ایالات متحده را می‌توان با ویژگی «رهیافت تحمل اختلافات» توصیف کرد، رهیافتی که دو طرف از مواجهه آشکار اجتناب می‌کنند، اما با این وجود نتیجه‌اش خشنی‌سازی دوطرفه است. محاسبات نادرست موجب ایجاد سیکلی از انتظارات اشتباه در نیمه دوم قرن بیستم شد. گرچه کاهش اهمیت روابط دوجانبه برای سیاست خارجی برزیل در سال‌های اخیر در محاسبات نادرست کاسته شده است، اما الگوی تکرار و عمل متقابل متوقف نشده است. بر این مبنا حضور فعالانه برزیل در بریکس را می‌توان بخشی از تلاش برای خروج از مناسبات یک‌جانبه‌گرایانه با ایالات متحده و تلاش برای گسست نظام مبتنی بر هژمون ایالات متحده نیز تلقی کرد.

- باتوجه به ساختاری بودن تفکر لولا داسیلوا مبنی بر همکاری جنوب و تأکید بر بریکس به نظر می‌رسد تا زمان حضور وی در تصدی این سیاست با قدرت ادامه داشته باشد. اما در صورت سرکار آمدن دولتی همسو با ایالات متحده مانند بولسونارو ممکن است در جهت‌گیری تمایل به بریکس تغییر جدی و یا خروج انجام نشود، اما احتمالاً با بی‌تفاوتی و بی‌اهمیت جلوه‌دادن بریکس مواجه خواهد شد، از اینرو متغیر مهم دیگر در اتخاذ سیاست‌ها در برزیل انتخابات است.
- بریکس چالش‌های متعددی پیش رو دارد، اما به نظر می‌رسد برزیل آمادگی مواجهه با آن را داشته باشد، گرچه روسیه اکنون پس از جنگ اوکراین از وضعیت بی‌ثباتی برخوردار است و توان لازم برای تأثیرگذاری را به لحاظ تحریم ندارد. اما مجموعاً این تحولات ممکن است دیدگاه‌های اعضای بریکس را تهاجمی‌تر کند، به‌ویژه در مسئله دلار. به نظر می‌رسد باتوجه به اهمیت فعلی دلار، روندهای کلی به سمت تمایل به مخدوش و یا تضعیف دلار پیش برود، نوعی حس ناسیونالیستی قوی علیه دلار در حال شکل‌گیری در کشورهاست. به نظر می‌رسد ارزش‌های دیجیتال باتوجه به ماهیت جهانی و فرامرزی فراتر از یوان و یا روبل بر تضعیف دلار اثرگذارتر باشد.
- در منطقه، لولا از ابتدا راهبرد تقویت مرکوسور، پیمان‌های همگرایی منطقه‌ای و همکاری جنوب - جنوب را به شدت پیگیری کرده است. به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت بین برزیل به‌عنوان نماینده مدل مرکوسور و ایالات متحده به‌عنوان نماینده نفتا همواره تعارض قطعی وجود دارد. لولا از احیای اونسور، مرکوسور و سلاک‌آسخن گفته است. ارزیابی نهایی این است کل منطقه تحت سلطه ایالات متحده است، اما تحت مدیریت کامل نیست و اداره امور منطقه بیشتر دیپلماسی موردی و متغیر، برابر تحولات است. با این حال فضای آینده همچنان در این حوزه از اطمینان برخوردار نیست. لولا در آفریقا و آسیا به سمت توسعه مناسبات پیش رفته است و برابر آمار چینی‌ها در حال سبقت‌گرفتن در تجارت از آمریکایی‌ها هست و درعین حال ایالات متحده شریک تجاری راهبردی برزیل باقی خواهد

‡ UNASUR

‡ CELAC

بود. برزیل دعوی آنتی تراست را با آمریکایی‌ها در همه حوزه‌ها خواهد داشت؛ بنابراین بریکس بخشی کوچک از پازل بزرگ بازیگری برای برزیل محسوب می‌گردد که تلاش دارد با وابستگی متقابل اقتصادی در سایه صلح و همکاری به منافع لازم در سایر حوزه‌ها دست یابد. برزیل تلاش دارد تمام حوزه‌های اقتصادی را در کنشی متقابل و تعامل‌گرا به یکدیگر پیوند بزند.

■ در مجموع با ارزیابی داده‌های نظامی و اقتصادی برزیل می‌توان این کشور را رو به پیشرفت تدریجی دانست که فعلاً در شمار قدرت‌های متوسط و عمده قرار می‌گیرد. علت نیز شکنندگی در داخل به لحاظ بوروکراسی پیچیده‌ای است با متغیر انتخابات و در تغییر دولت سیاست‌های آن را در قبال مسایل جهانی نیز دگرگون می‌کند. به عنوان مثال این دگرگونی‌ها می‌تواند به تقویت و یا تضعیف حضور در بریکس مرتبط باشد. این شکنندگی در داخل کشور موجب می‌شود که در مقایسه با ساختار سیاسی متمرکز روسیه و چین نمی‌توان در تصمیم‌سازی‌های راهبردی از آن ثبات در بریکس را انتظار داشت. ثبات و یا بی‌ثباتی در بازیگری حوزه بریکس ارتباط مستقیم با وضعیت منطقه‌ای، قاره‌ای و با تعامل با چین و روسیه و سایر بازیگران دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- بیگدلی، محمدرضا؛ دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ برزگر، کیهان و غلامعلی چگنی‌زاده (۱۴۰۲)، افول نظم بین‌المللی لیبرال از منظر رهیافت‌های نظری مکتب لیبرالیسم. دانش سیاسی، ۱۹(۳۸)، ۳۷۴-۳۴۹.
- ترابی فرد، میلاد (۱۴۰۱)، بریکس: تاریخچه، کارکرد و ملاحظات الحاق ایران به این گروه. تهران: دفتر امور اقتصادی. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- جمالی، حسین و وحید ذوالفقاری (۱۳۹۴)، «اقتصاد سیا سی تو سعه و دموکراسی در برزیل (۱۹۶۰-۲۰۱۱)». مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۴(۷)، ۷۳-۱۰۴.
- دآلمیدا، پائولو روبرتو (۱۳۹۳)، جاذبه و دافعه برزیل و جهان آمریکایی. مناظره درباره جهان پس از آمریکا. شان کلارک و سابرینا هوک. مترجم علیرضا طیب. تهران: نی.
- دلوری، دانیال (۱۴۰۲)، همدستی شی و لولا برای برهم‌زدن «تبادل ژئوپلیتیک جهانی». تهران: اکو ایران. بازیابی از: <https://www.ecoiran.com/fa/tiny/news-33331>
- دودلین، جین (۱۳۹۳)، دو قطب، چندین پیرامون، بدون چارچوب در جهان پیش رو، مناظره درباره جهان پس از آمریکا، کلارک، شان و هوک، سابرینا. ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر نی.
- دویچ، کارل، کیوهین، رابرت و جوزف نای (۱۳۷۵)، نظریه‌های روابط بین‌الملل (جلد ۲). تهران: جهاد دانشگاهی
- روت، ریوردان (۱۴۰۱)، شکوفایی اقتصاد برزیل. ترجمه امیرحسین کلاهچی، فرشته عبدالمهی و عبدالخالق غبیشاوی. تهران: بازرگانی.
- زکریا، فرید (۱۳۹۹)، جهان پساآمریکایی. ترجمه احمد عزیزی. تهران: هرمس.
- زیبایی، مهدی (۱۳۹۷)، سیاست خارجی: ابزار پیشرفت اقتصادی برزیل. سیاست جهانی، ۳(۷)، ۷۷-۹۸.
- سنایی، مهدی و غلامرضا ابراهیم‌آبادی (۱۳۹۲)، سازمان قدرت‌های اقتصادی در حال ظهور (بریکس): اهداف، توانمندی‌ها و جایگاه آن در نظام بین‌المللی. مطالعات سیاسی و اجتماعی جهان، ۱(۳)، ۱-۴۰.
- سیفی، عبدالرضا و محمدباقر خرم‌شاد (۱۳۹۸)، «بریکس و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۴۰، ۲۶-۵۰.
- شریم، استفان (۱۳۹۲)، میان منطقه‌گرایی نیمکره‌ای: قدرت، منافع داخلی و باورها در حوزه تجارت آزاد آمریکا». میان منطقه‌گرایی و روابط بین‌الملل. مترجمان الهه کولایی و محمدکاظم شجاعی. تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- عجم اوغلو، دارون و جیمز اربینسون (۱۳۹۴)، نابرابری ملت‌ها. مترجم حمیدرضا خطیبی. تهران: هنوز.

کیانی، وحید (۱۴۰۲)، انتقاد تند برزیل از موضع آمریکا در اوکراین؛ لولا در مدار پکن؟. ۲۶. ۱. قابل دسترسی: <https://www.ecoiran.com/fa/tiny/news-33212>.

لطف الهی، محمدحسین (۱۴۰۲)، بازگشت روابط چین و برزیل به دوران اوج. روزنامه اعتماد ۲۷. ۱. لونی، رابرت (۱۳۹۲)، مرجع سیاست نفت. ترجمه علیرضا طیب. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات ابرار معاصر.

ماجدی، صادق (۱۴۰۲)، پایگاه اینترنتی اقتصاد نیوز ۱۱. ۲. قابل دسترسی: <https://www.eghtesadnews.com/fa/tiny/news-570755>.

محسنی، علی و حمید مزینانی (۱۴۰۰)، بررسی سیاست‌های توسعه اقتصادی برزیل ۱۹۶۰-۲۰۲۱. دانش تفسیر سیاسی، ۳(۹)، ۲۶-۵۴.

محمدنیا، مهدی و عبدالمجید سیفی (۱۴۰۱)، وابستگی متقابل پیچیده: چارچوبی برای تحلیل روابط هند و ایالات متحده. سیاست خارجی، ۳۶(۱۴۳)، ۲۰۳-۲۲۹.

مونیز باندیرا، لوئیس آلبرتو (۱۳۸۵)، قدرت منطقه‌ای. همشهری دیپلماتیک (مؤسسه همشهری) ۱۷-۲۱. ویاردا، هوارد جی و اف کلاین هاوری (۱۳۸۷)، آمریکای لاتین، سیاست، حکومت و توسعه. ترجمه علیرضا قربان‌پور. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

Arias, Juan (2023), how can brazil be a world leader today. In: <https://english.elpais.com/international/2023-04-18/how-can-brazil-be-a-world-leader-today.html>

Brazil (2023), BRICS Investment Report. Retrieved from unctad: https://unctad.org/system/files/official-document/diae2023d1_en.pdf.

Brazil is an economic superpower (2022), Company, Industry and Trade, Serviços e Informações do Brasil. <https://www.gov.br/en/government-of-brazil/latest-news/brazil-is-an-economic-superpower>.

Buarque Daniel (2024), Brazil's International Status and Recognition as an Emerging Power: Inconsistencies and Complexities. Palgrave Macmillan.
Chaffee Wilber Albert (2022), Desenvolvimento: Politics and Economy in Brazil. Lynne Rienner.

Coelho, Maria (2021), Tax Expenditure Rationalization Within Broader Tax Reform. Working Paper Fiscal Affairs Department Brazil, IMF.

Da Ros, Luciano & Taylor, Matthew (2022), Brazilian Politics on Trial Corruption and Reform Under Democracy. United States of America: Lynne Rienner.

Delivorias, Angelos (2022), Brazil's economy Challenges for the new president. EPRS | European Parliamentary Research Service.

- Detlef, Notle & Wehner, Leslie E (2016), "Geopolitics in Latin America, Old and New" Handbook of Latin American Security. (D. Mares, & A. Kacowicz, Eds.) New York: Rutledge.
- Esteves .Paulo .Maria Gabrielsen .and Jumbert Benjamin.(2020), status and the Rise of Brazil. lobal Ambitions .Humanitarian Engagement and International Challenges. Palgrave Macmillan.
- Gardoni .Gian Luca .and Alexander Friedrich. (2016), "Brazil: What Rise of What Power? " Bulletin of Latin American Research ,5-19.
- Gouvêa .Carina Barbosa .and Pedro H Villas Bôas Caste(2022), Populist Governance in Brazil Bolsonaro in Theoretical and Comparative Perspective. Springer.
- Hirst .Monica .and Lia Bakervalls Pereira(2016), The Unsettled of U.S Brazilian Relations. In Contemporary U.S Latin American Relations: Cooperation or Conflict in the 21th Century? Edited by Jorge I Dominguez and Rafael Fernandez De Castro. New York: Rutledge.
- Mancuso, Salvatore, & Bussani, Mauro (2022), The Principles of BRICS Contract Law a Comparative Study of General Principles Governing International Commercial Contracts in the BRICS Countries. Switzerland: Springer Nature.
- Monyae, David, & Ndzendze, Bhaso (2021), The BRICS Order Assertive or Complementing the West? (T. M. Shaw, Ed.) London: Palgrave Macmillan.
- Kahn, Michael& Luiz Martins de Melo, Marcelo G. Pessoa de Matos(2024), BRICS National Systems of Innovation.Published by Routledge India.
- Krasilshchikov, Victor (2021), Brazil - Emerging Forever? A Case Study of the Mid-Level Development Trap (Societies and Political Orders in Transition). Springer.
- Pardeep Singh, Yulia Milshina, Kangming Tian, Deepak Gusain, João Paulo Bassin (2022), Water Conservation and Wastewater Treatment in BRICS Nations Technologies, Challenges, Strategies and Policies. Elsevier Inc.
- Petróleo Brasileiro S.A (2024), Petrobras: Brazilian Energy, Retrieved from petrobras.com: <https://petrobras.com.br/en/about-us/profile/>
- Prusa, Anya; Korn, Joel; Ernesto Revilla, Mauro Cazzaniga (2023), February 17. Latin America Advisor. Retrieved from The Dialogue: <https://www.thedialogue.org/analysis/should-brazil-expect-to-see-more-foreign-direct-investment/>

- Pueyo, Tomas (2023), February 8, brazil. Retrieved from Uncharted Territories: <https://unchartedterritories.tomaspuoyo.com/p/brazil-geography-superpower>
- Rajan Kumar, Meeta Keswani Mehra, G. Venkat Raman, and Meenakshi Sundriyal (2023), Locating BRICS in The Global Order Perspectives from the Global South. London: Routledge.
- Roy, Diana (2022), Brazil's Global Ambitions. Washington, DC: The Council on Foreign Relations. doi: <https://www.cfr.org/backgrounder/brazils-global-ambitions>.
- Santoro, Mauricio (2022), Brazil-China Relations in the 21st, Century The Making of a Strategic Partnership. Palgrave Macmillan.
- Sirohi, Rahol. A. & Bhupatiraju, Samyukta (2021), Reassessing the Pink Tide Lessons from Brazil and Venezuela. Singapore: Springer Nature.
- South Africa in BRICS (2024), Dirco offices. webmaster@brics2023.gov.za. Retrieved from <https://www.brics2023.gov.za/brics-joint-statistical-publications>
- Stuenkel, Oliver (2020), The BRICS and the Future of Global Order (Second ed.). Lexington Books.
- Wall, Robert (2024), The Military Balance. The International Institute for Strategic Studies.
- Wurie,FD(2023), BRICS: The Future of World Economic Power In a Changing World Order. Paperback.Amazon kindle pub.
- Xiujun, Xu (2020), The BRICS Studies, Theories and Issues. London: Routledge.
- Zondi, Siphamandla (2022), The Political Economy of Intra-BRICS Cooperation: Challenges and Prospects. Palgrave Macmillan.
- Yijia, jing& Jose A, Puppim de Oliveira (2020), International Development Assistance and the BRICS Governing China in The 21ST Century. Palgrave Macmillan.